

دادگاه لازم نیست، درجا بکشید!

سخنان سران جمهوری اسلامی درباره نسل کشی پس از ۳۰ خرداد سال ۶۰



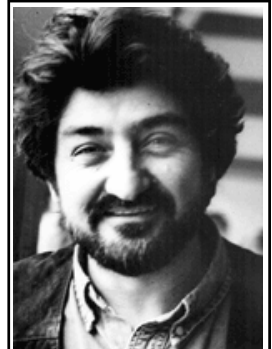
حسین مرادیگی

توی خیابان است و وقتی دستگیر شدند و به دادستانی رسیدند محاکمه شده اند و حکمشان اعدام است. ... هرکس در خیابان در درگیری و تظاهرات مسلحانه دستگیر شود صفحه ۲

در مصاحبه ای بمناسبت هفته جنگ که در تاریخ ۲۸ شهریور ۶۰ در کیهان چاپ شده است میگوید: "میدانید که این هفته هفته جنگ است... همین جنگ نبود، جنگ دیگری هم در داخل بود.... در این جنگ (داخلی) ما بیشتر زجر کشیدیم (بیشتر وقت صرف کردیم) تا جنگ با صدام" و ادامه میدهد: "هرکس کوکتل بدست گرفت و در برابر نظام جمهوری اسلامی ایستاد، اینها محاکمه شان

از هارترین و جنایتکارترین رژیمهای بورژوائی اواخر قرن بیستم، جمهوری اسلامی، را برای تحمیل بی حقوقی کامل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی به مردم ایران شکل دهند. آنچه که در زیر میخوانید گوشه هایی از این توحش و بربریت بورژوا اسلامی علیه کمونیستها و دیگر انقلابیون و آزادیخواهان را از زبان معماران و سازماندهندگان این نسل کشی در ایران نشان میدهد: موسوی تبریزی دادستان کل انقلاب

۳۰ خرداد ۶۰ سرآغاز راه انداختن يك نسل کشی کامل توسط جمهوری اسلامی بود. ماشین آدمکشی جمهوری اسلامی راه افتاد تا مردم پیاخته علیه حکومت شاه را که برای آزادی و رفاه اجتماعی و بنیاد نهادن يك زندگی انسانی و آزاد به میدان آمده بودند، مردمی را که زندان و شکنجه و اعدام و ساواک و خفقان نمیخواستند، سرکوب کرده و سر جای خود بنشانند. ماشین آدمکشی اسلامی راه افتاد، تا یکی



اساس سوسیالیسم انسان است.

سوسیالیسم جنبش باز گرداندن اختیار به انسان است.

منصور حکمت

در محکومیت شعار فدرالیسم

صفحه ۳

بزرگداشت هفته منصور حکمت

در سقز و سردشت صفحه ۴

از میان اطلاعاتی های

کمیته سندج صفحه ۴

ناسیونالیسم کرد "متحد" بازنده!

مساله کرد چه میشود؟

مذهبی، عربی جدید التاسیس "ناجی" جامعه عراق شود. بعد از شکست ها و عقب و جلو رفتنها، سرانجام سازمان ملل هم وارد بازار معرکه شده است. قرار شده است که دولت غازی یاور سنی که به قول رسانه های غربی با لباس سنتی عربی رفت و آمد میکنند!! و ایاد علای شیعه و وزرای همه رنگ قوم و قبیله جای بازیگران دیروز کنفرانس لندن که منجر به مضحکه شورای حکومت (هر کاره بود بجز حکومت کردن) جلوس کند. در این رابطه جلال طالبانی و مسعود بارزانی نامه ای شکوه آمیز به زعیمشان بوش نوشته اند که خود گویای حال و احوال نگارندگان نامه است. صفحه ۲



عبداله شریفی

abe_sharifi@yahoo.com

سرانجام پس از سلسله نمایشات کشتن و سوزاندن، ناامن کردن و ویران کردن، بعدازمرحله ای دیگر از تخریب جامعه عراق، حاصل ناکامی و سردرگمی و بی افقی سیاسی و نظامی آمریکا و موئتلیفین به صحنه آوردن پرده ای دیگر از سناریوی تدارك دیده برای مردم عراق است. این بار قرار است با گاویندی دول اروپایی و آمریکا، دولت قومی،



سردبیر: ایرج فرزاد

iraj_farzad@yahoo.com

فاکس: 00448701687574

تلفن: 0046739555085

چهارشنبه ها منتشر میشود

رادیو انترناسیونال

۲۱ متر، ۱۳۸۰۰ کیلوهرتز

هر شب ساعت ۹

بوقت تهران

به دیگران اطلاع دهید

radio7520@yahoo.com

رادیو انترناسیونال روی اینترنت:

www.radio-international.org

مدیر رادیو انترناسیونال:

سیاوش دانشور

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

دادگاه لازم نیست،،

بدون معطی همان شب دونفر پاسدار یا مردم شهادت بدهند که آنها در درگیری بوده اند و علیه نظام جمهوری اسلامی قیام کرده اند کافی است و همان شب اعدام میشود. کیهان ۲۹ شهریور سال ۶۰. باز همین جلا داد میگویی: "یکی از احکام جمهوری اسلامی این است که هرکس در برابر نظام و امام عادل بایستد کشتن او واجب است، اسیرش را باید کشت و زخمی اش را زخمی تر کرد که کشته شود... این حکم اسلام است. چیزی نیست که ما تازه آورده باشیم". همانجا گیلانی رئیس دادگاه انقلاب اسلامی چنین میگویی: "اما محارب بعد از دستگیر شدن توبه اش پذیرفته نمیشود و کیفرش همان کیفری است که قرآن بیان میکند. کشتن به شدید ترین وجه، حلق آویز کردن به فضاحت

همانجا خلخالی هم که آهنگام حزب الله داد میزد: "دادگاههای خلخالی ایجاد باید گردد" میگویی: "البته ما کار خود را کرده ایم و بقول معروف بازنشسته شده ایم. اما بالاخره تابع امر امام هستیم. اگر ایشان بفرمایند بله ما قبول میکنیم. حالا در دادگاهها بد کار نمیکند. البته اگر ضرورت اقتضاء کند طوری که رفقا نتوانند درست تصفیه بکنند یا در تشخیص مثلا اینکه چه کسی مرتد است، چگونه مهدورالدم است دچار تردید شوند ما حاضریم". کیهان ۲۹ شهریور ماه سال ۶۰ ربانی املشی دادستان کل کشور میگفت: در صورت لزوم باید مانند امام علی روزی چهار هزار نفر از کفار را سر برید. دیگری نیز میگفت که محدودیت سنی و جنسی برای اعدام وجود ندارد. خمینی نیز در هفته جنگ و آغاز سال تحصیلی ۶۰ میگویی: "علیرغم ادعاها و

تذکرات گمراه کننده در مورد اولویت جنگ با عراق، بدرستی سرکوب ضد انقلابیون در درجه اول اهمیت قرار داده شده است." خمینی به دانش آموزان اخطار میکنند که به هیچگونه مبارزه ای علیه رژیم اسلامی دست نزنند بلکه همکلاسی های خود را به پاسداران و کمیته چی ها لو دهند و در مورد محاکمه انقلابیون و آزادیخواهان نیز دستور میدهد: "بی کم و کاست قرآن کریم را اجرا نمایند". در این دوره خمینی و خامنه ای، رفسنجانی، خوئیینی ها، رضائی، خلخالی، موسوی، سرحدی زاده و غیره دستور دهندگان و سازماندهندگان این جنگ بودند، همراه آنها شبکه وسیعی از وزرا و روسای دادگاههای انقلاب اسلامی، از فرماندهان سپاه و سران اطلاعات گرفته تا شکنجه گران و قمه کشها و موتور سواران حزب الله تا خیل امام جمعه ها تا مجاهدین انقلاب

اسلامی و خط امامی های دوآتشه و خاتمی و بهزاد نبوی و محتشمی و جلائی پور و گنجی و باقی و حجابریان و دهها تن دیگر از سران دوم خردادی فعلی مجریان و مبلغین و مشوقین این مسابقه آدم کشی بودند. پادوهای توده ای و اکثریتی نیز بعنوان مدافعین نظام جمهوری اسلامی، رهبران اعتصابات کارگری و دیگر فعالین سیاسی مخالف حکومت اسلامی را به مجریان این نسل کشی لو میدادند و معرفی میکردند. پادوهای که اکنون نیز بر طبل جمهوری اسلامی میزنند. امواج اعتراض مردم سرنگونی طلب برای جارو کردن کثافت جمهوری اسلامی از حیات جامعه ایران مدتهاست براه افتاده است، مبارزه مردم آزادیخواه در سراسر ایران تا بگور سپردن حکومت اسلامی و بنای دنیای آزاد و برابر و انسانی ادامه خواهد یافت. ■

ناسیونالیسم کرد "متحد" بازنده!

(ادامه از صفحه اول)

این نامه خواندنی است، کسی که فرصت کند و نگاهی به آن بیندازد موقعیت این "متحدان" را خواهد دید. اینها از اینکه در حق آن همه "مجاهدت" ها در راه بوش و بلر، سهمی جز کم لطفی دریافت نکرده اند، زاری میکنند، التماس میکنند و در عین حال گفته اند که با این همه کم لطفی هنوز حاضرند در آستانه بوش خدمتگذار باقی بمانند. البته تلویحاً تهدیدی هم چاشنی نامه کرده اند که آن هم نه جدی است و نه کسی را به تردید دچار میکنند. گفته اند ممکن چون "کردها" به مقام رئیس جمهوری و نخست وزیر نرسیده اند منطقه کردستان ناآرام شود!!!

بدرستی تاریخ یک دهه و نیم اخیر، تاریخ تحولات و چرخشهای اساسی بود. احزاب و جنبشهای متفاوت رفتند و آمدند، کسی را پیدا نمی کنید که در بازتاب تأثیرات گوناگون و متناقض، این دوره در مسیری روان نشده باشد. این دوره برای جنبش ناسیونالیستی کرد دوره ای ویژه بود. دوره ای که در آن احزاب این جنبش عروج کردند، قدرت شدند، "حکومت" کردند و از

یکی بگیرند. مدتها است پایان فاز "مصلحت ملت کرد" در میان مردم کردستان اهمیت و اعتبار خود را از دست داده است. آن زمان رفت که با "مصلح ملی کردها" دهانها را ببندند و با این مجوز مردم ساکن کردستان را سرکوب و بی حقوق کنند. قاعدتا باید به دوره ای که ترور زنان، اشاعه فرهنگ عشیره و ضد تمدن، کشتار مخالفین، رویوسی با صدام و آستان بوسی حرم خمینی، جنگ داخلی و ویرانگری را با این مجوز با زور سرنیزه و گروگانگیری نان مردم به پیش میبردند، به عنوان گذشته یاد شود. کسی فراموش نخواهد کرد که "منفعت خاک عزیز کردستان" پرچم ساخت و پاخت با رژیم اسلامی و ترکیه و دول منطقه در دست همین متحدان رانده شده جناب بوش بود. اینها با همین فرمول خیل "چوبی" و دهول و دمبک خود را در مقابل اعتراضات میلونها مردم متمدن جهان علیه جنگ و کشتار مردم عراق به صحنه آوردند. با این مجوز در سیاهترین ائتلاف نظامی نوچه توحش نظامی آمریکا شدند، با این "عذر" جنگ قومی در کرکوک راه انداختند. ... اکنون اینها از منظر مردم جهان، جریانات همدست آمریکا در کل خرابی و کشتار و فلاکت مردم عراق محسوب

میشوند. در نفرت عمومی سهیم هستند. در میان جنبش خودشان نیز بی کفایت به حساب میآیند. هر چند مهره ها و شخصیتهای این دوره (دولت ۳۰ ژوئن) نیز گزرا و موقت هستند، اما با مصالحه بلوکهای بین المللی، قضیه با دوره قبل تفاوت پیدا کرده است. قطعنامه مصوبه شورای امنیت سازمان ملل، مهر و امضا معاهده جدیدی است که بلوکهای متناقض سرمایه داری با پیشروی آن یکی و عقب نشینی این یکی برای دوره ای محدود، معنی عملی پیدا میکنند. ظاهراً مقتدا صدر و "تندروها" اسلام سیاسی را از میدان بیرون کرده اند، ظاهراً شیعه و سنی رام شده به جلو صحنه رانده شده اند، ظاهراً ذبح آمریکایی - اسلامی، چلبی، دل ناسیونالیسم عرب منطقه را ربوده است. ظاهراً نیروی مصادره شده ناسیونالیسم جریحه دار عرب زیر چتر اسلام سیاسی به زیر عگال و عبای غازی یاور هدایت میشوند. ظاهراً برای دلخوشی ناسیونالیسم عرب و دول مجاور به "کرد" های متحد خود فرمان در حاشیه ماندن و ساکت شدن را داده اند. اما با این همه، این تا آرامش و مدنیت حداقل، فاصله ای طولانی است. بی شک دور دیگر از جدال خونین در راه است. احزاب اسلامی و قومی در

این مدت به اندازه کافی بزر دشمنی و نفاق پاشیده اند. دسته جات مسلح مذهبی و قومی و قبیله ای يك سال است به جان مردم افتاده اند. غارت و کشتار، شرکت در قتل عامها، خرمن نفرت و نفاق قومی و مذهبی است که بعداً درو خواهند کرد. بدیهی است که جریانات ناسیونالیستی عرب کشتار مردم فلوجه را اعمال دسته مسلح بارزانی و طالبانی جلوه نمی کنند بلکه این جنایت را شرکت "کردها" در کشتار "ملت عرب" قلمداد میکنند. از همین حالا دارند زمینه رودویی و انتقام را فراهم میکنند. نمونه ای از این نوع کافی است تا دور دیگری از خورنیزی بر این زمینه سازمان دهند. جنگهای قومی کرکوک و حومه نیز به همین روال و... با وجود اینکه اکنون شرکت سازمان ملل در ماجرای عراق منجر به سازمان دادن برگماردگانی از سران قوم و مذهب بر جامعه عراق است، که با فرض عملی شدن، نتیجه چیزی جز دولت قومی مذهبی و عربی با ماهیت فوقالعاده ارتجاعی و دست نشانده نخواهد بود، حاکمیت سراسری عراق قرار است فیصله یابد، هرچند تثبیت این دولت خود به فاکتورهای متعددی ربط دارد، اما مسله قدرت سیاسی عراق به نظر میرسد فعلاً در مدار منافع آمریکا

در محکومیت شعار فدرالیسم

بیانیه دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران اردیبهشت ۱۳۷۵ - مه ۱۹۶۶

۱- در ماههای اخیر شعار فدرالیسم جای برجسته تری در تبلیغات احزاب و گرایشات اپوزیسیون ملی و ناسیونالیست، شامل برخی جریانات باصطلاح چپ، یافته است. در تبلیغات این جریانات برقراری یک سیستم فدرالی، گامی در جهت "عدم تمرکز قدرت" و "دموکراتیزه" کردن سیستم اداری کشور قلمداد می شود. اما واقعیت اینست که شعار فدرالیسم در ایران نه فقط متضمن گسترش آزادی های سیاسی و مدنی مردم نیست، بلکه بر عکس، یک شعار عمیقاً ارتجاعی، ضد مردمی و ضد کارگری است که علاوه بر عقب گرد های سیاسی و فکری و فرهنگی تعیین کننده ای که به جامعه تحمیل می کند، می تواند آغازگر یکی از خونین ترین و مشقت بارترین دوره ها در تاریخ معاصر جامعه ایران باشد.

۲- طرح شعار فدرالیسم از جانب این احزاب از این رو نیست که گویا چنین خواستی در میان مردم وجود دارد و یا جنبش و حرکت قابل لمس در خود جامعه برای برقراری

یک نظام فدرال در جریان است. هیچ نشانی از وجود تقابل و کشمکش قابل ذکر در مقیاس سراسری در جامعه میان باصطلاح "ملل و اقوام" متشکله کشور و یا حتی احساس تعلق ملی و قومی غلیظ و علاج ناپذیری در میان مردم که اساسا بهانه ای برای طرح چنین سیاستی بدست بدهد دیده نمی شود. مطالبه یک جامعه فدرال در هیچ یک از تلاطم های سیاسی تاریخ کشور حتی طرح نشده و فاقد هر نوع پیشینه و زمینه در تاریخ معاصر کشور است.

حقیقت اینست که شعار فدرالیسم یک شعار دست ساز و ابتدا به ساکن خود این گروههاست که بعنوان فرمولی در مصالحه و معامله میان ناسیونالیست ها و عظمت طلبان ایرانی با جریانات خودمختاری طلب کرد و در راس آنها حزب دموکرات کردستان به پیش کشیده شده است. این فرمولی است که هر دو جریان برای اجتناب از راه حل واقعی مساله کرد و دور زدن اراده مستقیم مردم کردستان، و برای بند و بست از بالای سر مردم و تقسیم قدرت میان خویش یافته اند.

ناسیونالیسم عظمت طلب ایرانی و شاخه های مختلف اپوزیسیون ملی، در شعار فدرالیسم این امکان را می

بینند که با انکار مساله کرد، و ضمن تضمین "تمامیت ارضی"، دریچه ای برای معامله با احزاب خودمختاری طلب باز کنند. احزاب خودمختاری طلب کرد متقابلاً فدرالیسم را شعاری می بینند که با تعمیم خواست خودمختاری به مقیاس سراسری و طرح آن تحت پوشش مطالبه نظام سیاسی - اداری فدرال برای کل کشور، آنها را از اتهام تجزیه طلبی مبرا می کند و مقاومت دولت مرکزی و احزاب ناسیونالیست ایرانی در برابر خواست خودمختاری را کاهش می دهد.

۳- خصلت ارتجاعی شعار فدرالیسم و عواقب سیاسی و اجتماعی فوق العاده زاینبار آن برای مردم و جامعه بسیار عیان است. فدرالیسم به معنای تقسیم قومی رسمی مردم کشور و تراشیدن هویت های ملی و قومی کاذب برای مردم و صدور شناسنامه های قومی برای میلیون ها انسانی است که در ایران زندگی و کار می کنند. فدرالیسم به معنای عقب کشیدن خودآگاهی سیاسی مردم و فرهنگ سیاسی جامعه و برجسته کردن قومی گری و نژادپرستی در ذهنیت مردم و نهادها و قوانین اجتماعی است. فدرالیسم به معنای رسمیت دادن و تعمیم بخشیدن به تبعیضات سیاسی و اقتصادی و فرهنگی میان مردم برحسب پرچسب های ملی و قومی،

پاکسازی های قومی در مناطق مختلف کشور، رهبر تراشیدن از میان مرتجع ترین احزاب و افراد برای مردم مناطق مختلف و به عقب راندن جنبش ها و نیروهایی است که برای یک کشور سکولار غیرمذهبی و غیرقومی و برابری همه اهالی کشور مستقل از جنسیت و نژاد و مذهب و قومیت تلاش می کنند. شعار فدرالیسم نسخه ای برای ایجاد عمیق ترین شکاف ها و تفرقه های قومی در صفوف طبقه کارگر کشور است. شعار فدرالیسم شعاری ضد کارگری و ضد سوسیالیستی است.

۴- از نظر عملی، شعار فدرالیسم، زمینه سازی یک کشمکش خونبار و طولانی در سطح کل کشور است. در بخش اعظم مراکز پرجمعیت و صنعتی و در راس همه در شهر دوازده میلیونی تهران، هیچ رابطه یک به یکی میان "اقوام" با سرزمین وجود ندارد. هر نوع تلاش برای تراشیدن هویت قومی برای مردم و تقسیم سرزمین و تعریف حاکمیت منطقه ای بر حسب قومیت، به یک جنگ خونین و عظیم میان جریانات قومی منجر می شود که بناگرایر کل مردم را به کام خود می کشد. ابعاد فاجعه ای که تحقق این افق ارتجاعی قوم پرستانه می تواند در ایران ایجاد کند، چنان عظیم خواهد بود که رویدادهای سال های اخیر یوگسلاوی در قیاس با آن رنگ می بازد و

بیروت و کابل و ساریوو در مقایسه با تهران پس از فاجعه "فدرالیسم"، کانون های امنیت و ثبات جلوه خواهند کرد.

۵- انقلاب آزادیخواهانه مردم در سال ۵۷، تحت لوای حکومت اسلامی و اصالت دین به بیراهه و به خون کشیده شد. خواست فدرالیسم مجدداً همین سرنوشته را اینبار بنام اصالت قومیت و ملیت و حکومت مبتنی بر هویت ملی و قومی گری برای مردم تدارک می بیند. حزب کمونیست کارگری شعار فدرالیسم را بعنوان یک شعار ارتجاعی، ضد کارگری و مغایر با آزادی و برابری مردم بشدت محکوم می کند. هرچند همه گیر شدن و موضوعیت یافتن این شعار در جامعه ایران امری نامحتمل است، حزب کمونیست کارگری ایران در هر حال وظیفه خود می داند که در برابر هر حرکت احزاب ناسیونالیست برای تحمیل این افق و این آینده تاریک به مردم قاطعانه بایستد. حزب کمونیست کارگری با هر تلاش ارتجاعی برای مبتنی کردن دولت و نظام اداری در کشور بر مذهب، قومیت، و ملیت مقابله خواهد کرد. حزب کمونیست کارگری ایران تمام آن نیروها و جریاناتی که چه از سر واپس گرایی قومی و چه از سر حماقت و کوتاه نظری سیاسی، مردم را به این پرتگاه هولناک می رانند، پیگیرانه

حکومت "متحد" بازنده

و اروپا و سازش و مصالحه اینها میچرخد. به نظر میرسد که دولت قومی عربی نوع بعث اما مهار شده آمریکا و غرب نقطه سازش و مماشات باشد. در این میان با کمال تاسف، جنبش سکولار و مدنی، جنبش آزادیخواه و سوسیالیست در شرایطی بود که نتوانست موازنه ای از قدرت ایجاد کند که قدرت سیاسی سراسری عراق بدرجه ای به نفع مردم بچرخد. جریانات دیگر فدرالیست چی و اسلام سیاسی "تندرو" و "محافظة کار" نیز نتوانستند قدرت را یک کاسه کنند. در نتیجه مسله کرد ابعاد تازه به خود میگیرد. تا مدتی قبل کل سرنوشته قدرت حکومتی عراق معقلتر بود، مسله کرد به نوعی

میتوانست با قدرت سراسری حل شود، اما اکنون با این تحولات دارد مسائل قدیم در اشکال و قالب جدید پی جواب پرسه میزنند. مسله کرد از این نوع سوالات است. برای هر ناظری این سوال طرح میشود که بالاخره مسله کرد چه میشود؟ باید گفت امکان جدا شدن کردستان در این یک دهه و نیم از همیشه ممکنتر بود. متأسفانه جنبشهای مترقی و آزادیخواه زورشان نرسید که دولتی مدنی و غیر قومی و غیر مذهبی را تحمیل کنند، حزب کمونیست کارگری عراق در راس مبارزات طبقه کارگر و مردم محروم جامعه عراق نیز بنا به دلایل قابل توضیح موفق به تغییر توازن نشد. احزاب و جنبش ناسیونالیستی کرد به دلیل بی افقی و سردرگمی تاریخی خود نتوانستند و نخواستند که با تشکیل

دولت "خودی" امروزی مثل آنچه در تیمور شرقی و یا حتی در حوزه بلوک شرق پیش آمد حل نوعی خودی این مسله را ارائه دهند. در این رابطه حتی شاخه های از خود جنبش کردایتی هم به بی عرضگی رهبرانشان ازعان دارند. حال باید برای همه روشن باشد که سرنوشته و مسله مردم کردستان با سرنوشته احزاب ناسیونالیست کرد یکی نبوده و نیست. اکنون دیگر بی ربطی این احزاب و جریانات با منافع مردم کردستان به باور عمومی مبدل شده است. در چنین شرایطی جامعه کردستان حق دارد تن به دور دیگر بی حقوقی و تبعیض ندهد. حق دارد خود را تسلیم دولتی مذهبی قومی با پیچدگی خاص خود نکند. مردم جامعه کردستان حق دارند در مقابل خونریزی آتی و دشمنی و نفرتی که

این مدت باندهای سیاه مسلح شعله ور کرده اند قد علم کنند و راه صلح آمیز و متمدنانه ای را انتخاب کنند. تمکین به وضعیت کنونی یعنی دور دیگر از جنگ و خونریزی، دور دیگر از تاخت و تاز اسلام سیاسی و قوم پرستی مسلح، و... با توجه به این فاکتورها برای مردم در کردستان عراق، با دیگر طرح تشکیل دولت مستقل با دخالت مستقیم در سرنوشته خود، بر مبنای حقوق متساوی شهروندان جامعه امری است ضروری، راه حلی که ۹ سال پیش توسط منصور حکمت طرح شد (خوانندگان عزیز را به نوشته منصور حکمت تحت عنوان در دفاع از خواست اسقلال کردستان مندرج در جلد هشتم مجموعه آثار جلب میکنم)، راه حلی است که در این شرایط مناسب و در نهایت به نفع

۱۰ ژوئن ۲۰۰۴

از میان اطلاعیه های کمیته سندج حزب

کمیته سندج در رابطه با تهدید و فشار دولت و کارفرمایان به کارگران خباز در اطلاعیه شماره ۴ خود خبر از یک اعتصاب اطاری به مدت سه ساعت توسط کارگران نانوائیها در روز ۲۴ خرداد داده است.

کمیته سندج در اطلاعیه شماره ۵ به تصمیم کارگران خباز برای ایستادگی در برابر کار طاقت فرسا و ساعات کار طولانی و چند شیفته اشاره کرده است.

روز دوشنبه ۲۵ خرداد کارگران خباز سندج به جای ساعت ۵ صبح ساعت ۹ سر کار رفتند. تغییر ساعت کار از ۵ به ۹ صبح یکی از خواستهای کارگران خباز است که آنروز خود عملاً آن را اجرا کردند.

صبح این روز صدها نانواخانه در شهر سندج تا ساعت ۹ صبح تعطیل بود. این مساله مهم توجه مردم شهر را به خود جلب کرده و همه در این باره بحث و گفتگو داشتند. فضای شهر نشان از سمپاتی و حمایت مردم از کارگران دارد و به این ترتیب رژیم و کارفرماها نتوانسته اند مردم را در مقابل کارگران خباز قرار دهند. خبازان سندج همچنین خواستار افزایش دستمزد، حل مساله مسکن

و بهبود شرایط کاری شان هستند. کارگران به استانداری و فرمانداری اعلام کرده اند که در صورت بی توجهی به خواستههایشان از روز یکشنبه آینده حداقل به مدت ۲ روز اعتصاب خواهند کرد.

کارگران خباز سندج به حمایت دیگر بخشها و مراکز کارگری و پشتیبانی عمومی مردم آزادیخواه سندج نیاز دارند. به پشتیبانی از خواستههای برحق آنها بر خیزیم و به هر وسیله ممکن از مبارزه و اعتصابشان حمایت کنیم.

اطلاعیه های شماره ۶ و ۷ کمیته سندج به تخریب خانه های مسکونی مردم در محلات فرجه و عباس آباد پرداخته است. این تعرض برای محروم کردن مردم زحمتکش از سرپناه هایشان همزمان بوده است با یورش ماموران رژیم به دستفروشان در خیابانهای اصلی شهر (شاهپور، فردوسی و میدان انقلاب). دستفروشان و مردم و جوانان به مقابله با این یورش پرداخته و با آنان درگیر شدند که در نتیجه ماموران انتظامی رژیم از محل دور شدند.

همچنین در این روز (۲۵ خرداد) در اغلب مکانهای پاتوق و تجمع جوانان از جمله در خیابان کارگر (کمربندی ۲۵ شهریور) به ایجاد مزاحمت روی آوردند که با مقاومت و کتک کاری مزدوران روبرو شدند و به فرار آنان منجر شد.

کمیته سندج خطاب به مردم سندج چنین فراخوان داده است: تخریب سرپناه مردم جنایتی آشکار نسبت به مردم زحمتکش و

تنگدستی است که با صرف آخرین دارائیهایشان و با کار شاق زنان و مردان و حتی کودکانشان برای خود سرپناهی ساخته اند. این رژیم هار و جنایتکار که خون مردم را در شیشه کرده و اراذل و اوپاش اسلامی و آیت الله و آغازاده هایشان کرور کرور دارایی مردم را به جیب زده اند، حتی آلونک و سرپناهی را به مردم زحمتکش روا نمیینند و بر سرشان خراب میکنند. تف بر این نظام جهمی اسلامی و ضد بشری.

مردم مبارز سندج! کارگران، زنان، جوانان!

به کمک زحمتکشان محله فرجه بشتابید. عمل جنایتکارانه رژیم را محکوم کنید. علاوه بر اینکه باید جلو تخریب خانه های مردم را گرفت، رژیم باید خسارت کامل به خانوادههاییکه منازلشان تخریب شده پرداخت کند.

وقت آن است که مبارزات مردم در همه عرصه های کارگری، دستفروشان، مردم محلات در دفاع از مسکن و سرپناشان و جوانان برای زندگی شاد و آزاد به هم طنیده شود. همبستگی و اتحاد مبارزاتی کارگران، جوانان، دستفروشان و مردم محلات موجب پیروزی ما و عقب نشینی بیشتر رژیم ضد کارگر و ضد آزادی و امنیت و رفاه و خوشبختی است.

آدرس ایمیل و تلفن دبیر کمیته
e-mail:
mozafar_mohammadi@yahoo.com
tel- 0046735090535

گرامیداشت هفته منصور حکمت در شهرهای سقز و سردشت

سقز:

در چند روز گذشته در گرامیداشت هفته منصور حکمت، صدها نسخه از بروشوری که به این مناسبت تهیه شده است، در محلات مختلف شهر سقز از جمله، کانی گرم کاو، کریم آباد، تپه صالح آباد، جوتیاران، تپه مالان، بهربران، حاجی آباد، خیابان شهناز، محله سیلو، نشمیلان، تامین اجتماعی، قرچی آباد و تعدادی از دبیرستانهای شهر پخش شد. همچنین شعارهای زیادی از جمله، زنده باد کمونیسم کارگری، گرامی باد هفته منصور حکمت، زنده باد انقلاب کارگری، کمونیسم کارگری جنبش آزادی و برابری است و اساس سوسیالیسم انسان است، در محلات مختلف شهر و از جمله محلات مورد اشاره نوشته شد. چندین پلاکارد که روی آن گفتههای منصور حکمت چون "اساس سوسیالیسم انسان است و سوسیالیسم جنبش باز گرداندن اختیار به انسان است" در نقاطی از شهر نصب شد.

سردشت

در شهر سردشت نیز در این هفته جوانان و دوستداران حزب کمونیست کارگری بروشور هفته منصور حکمت را در محلاتی از شهر از جمله مهابادیان و آموزش و پرورش قدیم پخش کردند. همزمان در محلات شهر به این مناسبت شعارنویسی کردند. لازم به یادآوری است که روز جمعه هشتم خرداد در تفریحگاه "عه والان" واقع در جاده سندج، کامیاران و جمعه ۱۵ خرداد در تفریحگاههای آبیتر سندج به همین مناسبت صدها اطلاعیه و بروشور همراه با پوسترهایی از منصور حکمت در میان مردم پخش شد و پلاکاردهایی که روی آنها گفته های منصور حکمت نوشته شده بود، در انظار مردم گذاشته شد که ما اخبار آن را به اطلاع رساندیم. در هفته منصور حکمت در شهرهای مختلف در محافل و جمعهای متنوعی یاد عزیز منصور حکمت گرامی داشته شد. در این هفته دوستداران منصور حکمت و کمونیسم کارگری دور هم جمع شدند و با بحث در مورد نقش این انسان بزرگ، با خواندن مطالبی از او و به شیوه های مختلف یادش را گرامیداشتند. هفته منصور حکمت هفته پر جنب و جوش برای بسط افکار سیاسی و معرفی بیشتر این مارکسیست برجسته در سطح جامعه بود. کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران به همه مبتکران این اقدامات و به همه انسانهایی که در هفته منصور حکمت شرکت کردند و به نحوی سهمی را ادا کردند، درود میفرستد.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران ۲۲ خرداد ۱۳۸۳ (۱۱ ژوئن ۲۰۰۴)

برنامه حزب کمونیست کارگری یک دنیای بهتر، را بخوانید

در محکومیت شعار فدرالیسم

سر مردم میان دولت مرکزی و احزاب خودمختاری طلب کرد در مورد آینده سیاسی و اداری کردستان فاقد مشروعیت سیاسی و قانونی است.

دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران

مجموعه آثار منصور حکمت جلد هشتم
صفحات ۳۲۱ تا ۳۲۴

انتشارات حزب کمونیست کارگری
ایران، چاپ اول نوامبر ۱۹۹۷ سوئد

افشاء خواهد کرد.

۶- حزب کمونیست کارگری برای برقراری یک نظام سیاسی و اداری سکولار غیرقومی و غیرمذهبی تلاش می کند که در آن برابری حقوقی کلیه اهالی و ساکنین کشور، مستقل از قومیت، جنسیت، نژاد، مذهب، اعتقادات، و غیره تضمین شده باشد.

۷- در رابطه با مساله کرد، حزب کمونیست کارگری ایران یکبار دیگر بر موضع اصولی خود تاکید می کند. این تنها خود مردم کردستان هستند که حق دارند و باید در یک فرماندم آزاد تصمیم خود را درباره جدایی کردستان و یا باقی ماندن در چهارچوب کشور بعنوان شهروندان متساوی الحقوق کشور اعلام کنند. هر نوع بند و بست نیروهای سیاسی و هر نوع توافقی از بالای